



● عبدالحسین خان سر تیب عکاس گمنام
یحییٰ ذکاء

عبدالحسین خان سرتیپ،

عکاس گمنام

یحیی ذکاء



یحیی ذکاء

۳۰۵

از جمله عکاسان متفطن که متأسفانه نام و شرح حالش از کتاب «تاریخ عکاسی و عکاسان پیشگام در ایران» تألیف این جانب فوت شده است عبدالحسین خان سرتیپ مشهور به کفری، فرزند محمدحسن خان سالاری اصلان قزوینی معروف به خان باباخان ایروانی است.

خاندان عبدالحسین خان اصلاً از قزوین هستند ولی چون خان باباخان (محمدحسن خان) و برادرش محمدحسین خان مدتی در ایروان حکومت داشته‌اند (۱۲۲۱ - ۱۲۴۳ هـ.ق) از این رو معروف به ایروانی شده‌اند.

محمدحسن خان که از صاحب منصبان ارتش ایران بود در جنگ هرات در زمان محمدشاه مشارکت داشته و در همانجا از جهان در گذشته است.

محمدحسن خان از فخرالدوله ماه رخسار خانم دختر عباس میرزا نایب السلطنه دو پسر یکی به نام فتح‌الله خان صارم الدوله (۱۲۶۴ - ۱۳۰۵) - شوهر کسرائیل خانم افتخارالدوله دختر ششم ناصرالدین شاه خواهر تنی ظل‌السلطان بود که در سال ۱۳۰۳ از طرف شاه لقب بانو عظمی یافت و صارم‌الدوله از ثروتمندان قابل ملاحظه به شمار می‌رفت و همه کاره ظل‌السلطان بود و دیگری عبدالحسین خان که هر دو از تحصیل کرده‌های دارالفنون و در سلک نظام بودند. (پ ۱)

(پ ۲)

عبدالحسین خان در سال ۱۳۰۰ هـ.ق. از طرف ناصرالدین شاه به لقب فخرالملک مباحی شده بود ولی بعد که بدون اجازه شاه همراه دوست محمدخان معیرالممالک و معاون الدوله



● عبدالحسین خان سرتیپ

محمدابراهیم خان (پسر امین الدوله) به اروپا مسافرت کرده و در آنجا مانده بودند، مغضوب گردیده در سال ۱۳۰۷، این لقب از او گرفته شده و مواجیش را نیز قطع کردند. چنین می‌نماید که عبدالحسین خان سرتیپ مردی روشنفکر و فرنگی مآب و بی‌اعتنا به ظواهر امور مذهبی بوده و با قشریون زمان میانه خوبی نداشته و از آنان سخت انتقاد می‌کرده است. بنابراین در آن محیط بسته پر تعصب و خرافی، او را مردی لامذهب و بی‌ایمان به اصول دینی معرفی کرده، کافر شمرده، لقب «کفری» به او اطلاق می‌کرده‌اند، به خصوص که او از لحاظ سیاسی نیز با ناصرالدین شده درافتاده نه تنها بی‌اجازه او به اروپا سفر کرده بود، بلکه در آنجا هم با سیدجمال‌الدین اسدآبادی و ملک‌خان همکاری و همراهی نموده، در روزنامه‌های اروپا مقاله‌هایی علیه اوضاع ایران و استبداد شدید شاه و اعمال خلاف پیرامونیان او نوشته و انتشار داده بود، از این رو همه این احوال باعث این گردیده بود که اتهامات شدیدی بر او وارد آورده بدنامش سازند. به خصوص که هنگام بازگشت از انگلیس دو زن فرنگی همراه آورده بود که با اوضاع آن روز ایران بسیار ناسازگار می‌نمود. ولی عبدالحسین خان با بی‌اعتنایی به جوی که در پیرامون او پدید آورده بودند، به زندگانی خود ادامه داد و اهمیتی به این افتراها نمی‌داد. در سال ۱۳۰۹ ه. ق. که به ایران بازگشت در هفدهم شوال همان سال، توسط امین‌السلطان صدراعظم به حضور شاه بار یافت و از کارهایش بر ضد شاه اغماض شد و لقب افتخارالملک به او داده شد ولی او این لقب را نپذیرفت و بالاخره لقب ناصرالسلطنه و تیولی معتبر از شیراز در حق او برقرار



● از راست: عبدالحسین خان ناصرالسلطنه (فخرالملک قبلی)

با برادرش ابوالفتح خان صارم الدوله

شد و با سرداری شمشیر مرصع مخلع گردید. دشمنانش می نویسند چون زنان فرنگی که همراه آورده بود، مورد توجه امین السلطان قرار می گیرند، بخشودگی او به همین علت بوده است؟! (خاطرات اعتماد السلطنه ۱۲ ربیع الثانی ۱۳۰۷)

عبدالحسین خان در دارالفنون یا در سفرهایش به انگلیس و پاریس با عکاسی آشنا شده با آوردن دوربینی همراه خود به تهران به طور تفتنی عکس می گرفته است ولی نمونه ای از عکسهای گرفته شده توسط او در مجموعه آلبوم خانه کاخ گلستان و در دستها رؤیت نشده است. تنها عکس از او با دوربین سه پایه در آلبوم اعتضادالسلطنه در کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار موجود است که در اینجا چاپ شده است (پ ۳)

خانه عبدالحسین خان در دروس تهران بوده و با سلیقه خودش آن را ساخته بوده است، درباره بنای این خانه نیز مخالفانش می نویسند: «... بنا و عمله عمارت دروس را ارمنی آورده بود و می گفت برای اینست که نماز نداشته باشند و احدی در این خانه نماز نکنند؟!» (خاطرات عین السلطنه ج ۲ ص ۱۰۸۷)

در سال ۱۳۱۲ ه. ق. پسران رکن الدوله با دختران ناصرالسلطنه و صارم الدوله ازدواج می کنند. درباره این ازدواج نیز عین السلطنه سالور نوشته است: «عجب است که دختر این کافر را چندی قبل رکن الدوله برای پسرش عقد کرد...» (ج ۲ ص ۱۰۷۸)

گویا عبدالحسین خان اشعار انتقادی ضدخرافی می سروده که عین السلطنه از قول عین الملک

می نویسد: «... حتی مجتهدین قم نیز اشعارش را حفظ داشتند و می گفتند کسی که این نوع اشعار بگوید می توان گفت مسلم است»!۹.

عبدالحسین خان در سال ۱۳۱۴ ه. ق. بیمار شد و پزشکان هوای گرم عربستان را برای او تجویز کردند ولی او در سال ۱۷ شوال همین سال در منظریه یا قم وفات یافت. بنا به نوشته عین السلطنه: «علمای قم مانع شده نگذاشتند در قم دفن کنند، حتی گفتند در حدود قم هم اگر دفن کنند، بیرون آورده با نفت آتش می زنند... گویا نعش او را در خلاء یا سوراخی شبانه انداختند... آخوندی که نماز میت کرده بود، حاضر کرده می خواستند تکفیر کنند، قسم ها خورده بود که ندانسته نماز کرده، و گفته بودند غریبی فوت شده و مسلمان است. در طهران ختم گذاشتند، اما همه کس تف و لعنت می فرستاد. هیچ دین نداشت و همه چیز را تقبیح می کرد...»

او از زن انگلیسی اش یک پسر داشت که گویا همانست که شوهر عزت الدوله بوده است. در تاریخ ماکو تألیف اسدالله موسوی ماکویی (۱۳۷۶) می نویسد: «... فرزندان عبدالحسین خان در جنگ جهانی اول در جنوب ایران قشون کشی کرده بعد فراری شدند و به اسلامبول رفتند و از آنجا به ماکو آمدند و مورد محبت و لطف اقبال السلطنه قرار گرفتند و با کمک مالی سردار، به اصفهان رفتند...» (ص ۹۵) از چهره عبدالحسین خان سرتیپ عکسهای متعددی در آلبوم خانه کاخ گلستان موجود است از جمله:

عبدالحسین خان پسر سردار شماره ۱۴۱۷

عبدالحسین خان سرتیپ با چهار نفر ۳۸۹۶

عبدالحسین خان سرتیپ (کفری) در دو لباس و با دو وضع ۴۱۰۸ و ۴۱۰۹

مقرب الخاقان عبدالحسین خان سرتیپ (کودکی) ۴۲۰۵

عبدالحسین خان سرتیپ پسر مرحوم خان باباخان سردار و چهار نفر دیگر ۴۸۰۴

عبدالحسین خان سرتیپ ۷۰۳۲

عبدالحسین خان سرتیپ ۱۲۵۲۸

عبدالحسین خان امیر تومان و یک نفر دیگر ۴۲۶۰

عبدالحسین خان با دو نفر دیگر ۴۴۴۳

عبدالحسین خان (کفری) پسر باباخان سردار ۴۸۲۰

عبدالحسین خان سردار معروف، کفری با سه نفر دیگر ۱۳۰ (معبر)

مقرب الخاقان عبدالحسین کفری با یک نفر دیگر ۱۴۱۶